

## پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و نود و هشت - نیمسال اول (دوفصلنامه)

- ۵ • اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی کیفری: همکاری و حمایت نهادین  
دکتر سید قاسم زمانی - دکتر اسماعیل یعقوبی
- ۳۳ • قلمرو میانجیگری کیفری در انواع جرایم در حقوق موضوعه ایران  
دکتر حسین غلامی دون - دکتر بدر سودانی سادری
- ۶۱ • تخفیف مجازات در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲  
احمدرضا کوچکی - دکتر شهرام ابراهیمی
- ۸۱ • بررسی جرم‌شناختی عوامل بین‌المللی مؤثر بر ارتکاب جنایات علیه بشریت  
دکتر سمیرا گل‌خندان
- ۱۰۹ • پیامدهای سیاست کیفری عوام‌گرا در جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان  
دکتر پریمه طاهری شاد - دکتر هوشنگ شامبیاتی
- ۱۴۲ • درآمدی بر «حقوق بیمه جنایی» در راستای «سیاست جنایی بیمه‌مدار»  
دکتر مهرداد رایجیان اصلی - نعیم سهامی
- ۱۸۱ • تقابل یا تعامل قوانین کیفری دولت خارجی با حقوق بزه‌دیده؛ در پرتو اصل شناسایی متقابل در حقوق کیفری اتحادیه اروپا  
دکتر جواد صالحی
- ۲۰۱ • اصل شناسایی متقابل آراء و تصمیمات قضایی در حقوق کیفری اتحادیه اروپا با نگاهی به اجرای آرای کیفری و قرار جلب اروپایی  
دکتر بهزاد رضوی فرد - محمد فرجی





# قلمرو میانجیگری کیفری در انواع جرایم در حقوق موضوعه ایران

دکتر حسین غلامی دون\* - دکتر بدر سودانی سادری\*\*

## چکیده:

پیرسالاری و پابندی به ارزش‌های سنتی، وابستگی افراد به یکدیگر و نیاز به جامعه محلی، کم‌رنگ بودن قدرت حکومت‌ها و بی‌ارادگی آنها برای دخالت در اختلافات بین فردی در گذشته‌ای نه‌چندان دور، موجبی بود برای شکل‌گیری فرایند میانجیگری کیفری! و امروزه شکست گفتمان‌های کیفرسالار دولتی، تراکم قوانین، طواری دادرسی، بوروکراسی‌های اداری و ... بهانه‌ای است برای تخریب عدالت کیفری رسمی و بازتولید شدن این مفهوم و شاخ‌وبرگ گرفتن ادبیات علمی مربوط به آن! در این روش از حل اختلاف، طرفین دعوی فارغ از محدودیت‌های کتاب قانون و دادرسی رسمی به کمک شخص ثالث به دنبال رسیدن به توافق مشترک هستند. به دنبال قانون‌مند شدن میانجیگری کیفری در ایران، تبیین مختصات آن در حقوق موضوعه و تعیین گستره و قلمرو آن در پاسخ‌دهی به انواع جرایم (حدود، تعزیرات، قصاص و دیات) از اهمیت زیادی برخوردار است. باید دید که آیا قانونگذار ایرانی با تبیین کارآمد قلمرو میانجیگری توانسته است امکان استفاده حداکثری از این فرایند را فراهم سازد؟ پاسخ‌دهی به پرسش مذکور گامی است در جهت شناسایی کاستی‌های موجود و چراغ راهی است برای اصلاح قوانین مربوطه. نتایج این تحقیق که به روش تحلیلی - توصیفی انجام‌شده است نشان می‌دهد، در جرایم چهارگانه مذکور نتیجه میانجیگری نسبت به عدالت کیفری رسمی مطلوب‌تر است، باوجوداین قانونگذار ایرانی میانجیگری را تنها در جرایم تعزیری آن هم به‌صورت

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۳، نیمسال اول ۱۳۹۸  
صفحه ۳۳-۶۰ تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۶

\* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Email: Hossein.Gholami@atu.ac.ir

\*\* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی، دبی، امارات متحده عربی،

Email: b\_soudani@yahoo.com

نویسنده مسئول

بسیار محدود پذیرفته است، این درحالی است که تسری این فرایند به صورت صریح و روشن به دیات و قصاص ضروری است و گسترش قلمرو آن به بخشی از جرایم حدی نیز فاقد اشکال است.

### کلیدواژه‌ها:

میانجیگری کیفری، تعزیرات، حدود، قصاص، دیات.

### مقدمه

مشخص است که انسان موجودی است وابسته به اجتماع و روابط متنوع و پیچیده موجود در آن! و به درستی می‌توان گفت انواع آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های کنونی هم به گونه‌ای همزاد این ارتباطات هستند. حال می‌توان گفت در مقام پاسخ‌گویی به انواع جرایم، عدالت کیفری رسمی قیچی‌کننده روابط است و میانجیگری<sup>۱</sup> ترمیم‌کننده روابط! برای ترمیم و بازتولید شدن ارتباطات صحیح و سالم متغیرهای فراوانی (نوع جرم، جنسیت و وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی مجرم و بزه‌دیده، وضعیت روحی و روانی آنها، بُعد زمان و مکان پدیده جرم و ...) وجود دارد که در هنگام مواجه شدن با ناهنجاری‌های اجتماعی و واکنش در قبال آنها باید از سوی شخص مداخله‌گر مدّ نظر قرار گیرند. بی‌شک قانونگذاران و قضات باتوجه به محدودیت‌های بی‌شمار، از توجه هم‌زمان به همه این متغیرها و اعمال آنها در مواد و احکام خود ناتوان و عاجز هستند؛ اما طرفین دعوی و همچنین میانجیگر<sup>۲</sup> مسلط به ابعاد موضوع و آشنا با وضعیت طرفین دعوی، در این رابطه دست‌وپا بسته نیستند و در این مورد می‌توان گفت میانجیگری نسبت به عدالت کیفری رسمی در شیوه تصمیم‌گیری و انتخاب نوع پاسخ از انبساط خاطر بیشتری برخوردار است. به همین خاطر و به دلیل معضلات دادرسی رسمی و ناخشنودی مشتریان عدالت کیفری دولتی از عملکردها، امروزه شاهد گسترش فرایندهای خصوصی حل و فصل اختلافات و بازتولید شدن مفهوم میانجیگری و ساختارمند شدن آن هستیم! موضوعی که ریشه در تاریخ زیست بشر دارد امروز درحال بازتولید شدن و شاخ‌وبرگ گرفتن است. برخی مورخان اولین موارد میانجیگری را در تجارب فینیقی‌ها ذکر کرده‌اند. نظام‌های حقوقی قدیمی مانند نظام‌های فرعون، اگریقی و رومانی، یونان باستان و در دوران معاصر کشورهایی مانند نیوزیلند، کانادا و در بخش‌هایی از آمریکا، سنت‌ها و

1. Mediation.

2. Mediator.

شیوه‌های ویژه اقوام مائوری و برخی از اقوام اسکیموها، لاکوتها و داکوتها (اقوام سرخ‌پوست) و ... این فرایند را به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های حل اختلاف در نظر داشته‌اند.<sup>۳</sup> ریشه و پیشینه این اندیشه در ایران و در بین اقوام مختلف نیز پررنگ است و اساساً مردم ایران همیشه ترجیح داده‌اند که اختلافات و نزاعات خود را به روش‌های کدخدامنشی و غیررسمی حل و فصل نمایند و در اکثر موارد مراجعه به دادگاه و دادرها را امری ناپسند می‌شمارند؛<sup>۴</sup> از قدیم‌الایام ریش‌سفیدان یا بزرگان با ریش‌سفیدی و وساطت اختلاف و درگیری‌های بین مردم را حل و فصل کرده‌اند؛<sup>۵</sup> روحانیون و کدخدایان محلی نیز نقش فعالی در حل و فصل اختلافات جاری بین رعایای قلمرو خود برعهده داشته‌اند.<sup>۶</sup> در برخی از کشورها این فرایند، امروزه خود را با نام‌هایی مانند برنامه میانجیگری قربانی، خدمات میانجیگری برای قربانیان و مجرمان، جلسات Victim Offender یا کنفرانس‌های قربانی - مجرم معرفی می‌کند.<sup>۷</sup>

میانجیگری در لغت به معنای «وساطت»<sup>۸</sup> و واسطه شدن یک میانجی یا میانجیگر میان دو نفر برای رفع اختلاف و آشتی دادن آنهاست،<sup>۹</sup> میانجیگری بخشی از مفهوم گسترده‌تر عدالت ترمیمی است.<sup>۱۰</sup> در تعریف میانجیگری «یانگ» بیان می‌دارد: «هر اقدامی از طرف شخص ثالث که خود طرف مستقیم بحران نیست به‌منظور حل، کاهش و یا رفع مشکلات موجود از طریق مذاکره که پیامد آن پایان بخشیدن به بحران باشد، میانجیگری نامیده می‌شود.»<sup>۱۱</sup> همچنین «دوب» که به پدر میانجیگری شهرت دارد، میانجیگری را تلاش یک یا چند نفر برای تأثیرگذاری بر یک یا چند نفر دیگر، هنگامی که یکی یا هر دو به این باور

۳. حسین غلامی، عدالت ترمیمی (تهران: سمت، ۱۳۹۳)، ۲۰۸؛ مارتین رایت، تونی مارشال، مایکل مایز و دیگران، عدالت ترمیمی، ترجمه امیر سماواتی پیروز (تهران: خلیلیان، ۱۳۸۴)، ۱۲۵-۱۲۳.

۴. موسی حسینوند، میانجی‌گری در پرتو آموزه‌های عدالت ترمیمی (تهران: مجد، ۱۳۹۴)، ۵۲.

۵. اصغر گرشاسبی، هنر و فن میانجیگری (تهران: مهاجر، ۱۳۸۸)، ۳۴.

۶. ویلم فلو، نظام قضایی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه (قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱)، ۹۵.

7. Kathryn McKay Turman, *National Survey of Victim-Offender Mediation Programs in the United States* (Center for Restorative Justice & Peacemaking, School of Social Work University of Minnesota, 2000), 4.

۸. محمد معین، فرهنگ فارسی (تهران: سپهر، ۱۳۷۲)، ۳۲۵.

۹. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹)، ۴۳.

10. Stogrin Petronela, "Mediation in Criminal Matters," *Acta Universitatis George Bacăvia, Juridical* 3(1) (2014): 2.

11. Young Oran, *The Intermediate's (Third Parties in International Crisis*, Princeton N, J.: Princeton University press, 1976), 34.

می‌رسند که مشکل راه‌حلی را می‌طلبند، تعریف نموده است. به‌طور ساده‌تر می‌توان گفت: میانجیگری روشی است که طرفین اختلاف به کمک شخص ثالث به دنبال رسیدن به توافق مشترک هستند.<sup>۱۲</sup> به نظر می‌رسد این فرایند سه‌جانبه که فارغ از تشریفات معمول در فرایند کیفری و بر اساس توافق قبلی بزه‌کار - بزه‌دیده و با حضور میانجیگر شکل می‌گیرد<sup>۱۳</sup> می‌تواند رافع محدودیت‌های شکلی و ماهوی قوانین و دیگر مشکلات سیستم عدالت کیفری رسمی باشد، چراکه در این فرایند سهامداران اصلی جرم با کنار گذاشتن کتاب قانون و بدون دخالت مقامات دادسرا و قاضی دادگاه، با کمک میانجیگر بی‌طرف، خود به حل مشکلات موجود می‌پردازند. در اینجا توجه به این نکته لازم است که به علت مشکلات و محدودیت‌های قانونی، در بیشتر موارد قاضی یا هیئت منصفه نمی‌توانند راه‌حلی را که میانجیگر نشان می‌دهد، ارائه دهند، به همین علت احتمال اینکه میانجیگر به نتیجه‌ای دست پیدا کند که طرفین بر آن توافق دارند، بیشتر است.

در مقام تبیین این موضوع در قوانین کیفری ایران باید گفت که ماده ۸۲ ق.آ.د.ک<sup>۱۴</sup> ۱۳۹۲ و ماده ۸ ق.ش.ج.ا.<sup>۱۵</sup> ۱۳۹۴ مهم‌ترین مواد قانونی هستند که به‌طور ویژه این فرایند را مورد توجه قرار داده‌اند. در نهایت آیین‌نامه میانجیگری مصوب هیئت وزیران ۱۳۹۵ نیز به‌صورت اختصاصی به همین منظور تدوین شده است. حال در این مجال مسئله‌ای که قرار است مورد مذاقه و اظهار نظر قرار گیرد محدود و قلمرو میانجیگری و امکان سنجی توسل به آن در انواع جرایم (تعزیری، حدود، قصاص و دیات) است. با توجه به شکل‌گیری انواع دعاوی در حقوق کیفری ایران: دعاوی عمومی و دعاوی خصوصی (موضوع ماده ۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲) و تقسیم‌بندی جرایم به قابل گذشت و غیر قابل گذشت (موضوع ماده ۱۰۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲) و یا جرایم چهارگانه حدود، قصاص، دیات و تعزیرات (موضوع ماده ۱۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲) باید گستره و قلمرو میانجیگری در هریک از جرایم به‌صورت جداگانه مورد بررسی و

12. Lars Goran Stenlo, *Mediation in International Negotiations* (Lund: Student Literature, 1972), 36.

۱۳. مصطفی عباسی، میانجیگری کیفری (تهران: دانشور، ۱۳۸۲)، ۱۴.

۱۴. در جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست ...

۱۵. در موارد زیر شوراها با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می‌کنند: الف - کلیه امور مدنی و حقوقی؛ ب - کلیه جرایم قابل گذشت؛ پ - جنبه خصوصی جرایم غیر قابل گذشت. تبصره ...

مذاقه قرار گیرد. نظر به گذارهای تاریخی و همسان شدن انواع جرایم فردی و اجتماعی و باتوجه به انعطاف مطلوب میانجیگری کیفری در پاسخ به جرم و توفیق آن در اصلاح امور و نیک و پسندیده بودن این عمل، انتظار آن می‌رود که قانونگذار کیفری حتی‌الامکان برای به‌کارگیری و استفاده حداکثری از آن ریل‌گذاری‌های لازم را انجام داده باشد. بی‌شک تقابل گفتمان‌های ترمیمی و مردم‌سالار با ایدئولوژی‌های کیفرگرا و دولت‌محور تغییراتی در سیاست جنایی تقنینی را به همراه خواهد داشت! و معقولانه آن است که فارغ از انواع واکنش‌های اعتقادی و پاسخ‌های حکومتی و ایدئولوژیکی به انواع جرایم گستره و قلمرو میانجیگری کیفری به‌عنوان یکی از کنش‌های جامعه‌ی درحال تجدید شدن باشد. فارغ از این مطالب سؤالی که در اینجا قابل طرح است اینکه در کدام‌یک از جرایم طرفین دعوی می‌توانند با حمایت قانون به این فرایند متوسل شوند؟ باتوجه به قوانین موجود آیا میانجیگری کیفری می‌تواند به‌عنوان شیوه‌ای کارآمد فارغ از تفاوت‌های شناخته‌شده در انواع جرایم و مجازات‌ها، برای حل و فصل تمامی دعاوی به‌کار گرفته شود و یا در این رابطه با محدودیت‌هایی مواجه است؟ باید به این سؤال پاسخ داده شود که آیا قانونگذار ایرانی با سنت‌شکنی، مصلحت‌سنجی و تدابیر معقولانه راه را برای استفاده هرچه بیشتر از فرایند میانجیگری کیفری به‌عنوان طلایه‌دار برنامه‌های عدالت ترمیمی باز کرده است یا خیر؟ بی‌شک آسان‌سازی مداخله جامعه مدنی و تلاش برای گسترش سیاست جنایی مشارکتی، گریزی است معقولانه از کیفرگرایی و بوروکراسی‌های دستگاه قضایی و موجبی است برای توقف انواع بزه‌دیدگی‌های ساختاری و پیشگیری از رشد روزافزون ستم‌های قانونی! پاسخ‌دهی به سؤالات فوق می‌تواند در تکثیر و رشد این گفتمان و بهبود جایگاه حقوق ترمیمی در نظام حقوقی و قضایی ایران مؤثر باشد. بدین‌منظور از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و برای توصیف وضعیت موجود از روش نمونه‌گیری در دسترس و انجام مصاحبه (تعداد ۳۳۴ بزه‌دیده و ۳۱۹ متهم از مراجعین به فرایند میانجیگری و نظام عدالت کیفری رسمی انواع جرایم در سه شهر تبریز، ایلام و اهواز) بهره برده‌ایم. باتوجه به توضیحات فوق ذیلاً قلمرو میانجیگری در جرایم تعزیری، جرایم حدی، قصاص و دیات مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد.

## ۱- قلمرو میانجیگری کیفری در حدود

کمیت، کیفیت و نوع بعضی از مجازات‌ها در شرع مشخص است و بعضی دیگر نامشخص! در نتیجه می‌توان گفت در دسته دوم از مجازات‌ها موضوع به مصالح اجتماعی احاله داده شده

است. دسته اول را حدود و دسته دوم را تعزیر می‌نامند. به بیانی دیگر هر آنچه دارای مجازات معینی باشد، حد و هر آنچه مجازات معینی نداشته باشد، تعزیر نامیده می‌شود؛<sup>۱۶</sup> و البته این قاعده هم کلیت نداشته و می‌توان گفت فقها در جرایمی از قبیل مجامعت با همسر در روز ماه رمضان، مجامعت با زن حائض، به عقد درآوردن و آمیختن مردی که دارای زن آزاد است با کنیز قبل از اذن گرفتن از زن خود، ارتداد و افساد فی الارض، از حیث حدی یا تعزیری بودن آن با یکدیگر اختلاف دارند.<sup>۱۷</sup> اما طبق ماده ۱۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ حد به مجازاتی گفته می‌شود که موجب، نوع، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است و بنابر تصریح ماده ۲۱۹ همان قانون<sup>۱۸</sup> دادگاه نمی‌تواند تغییری در این دست از مجازات‌ها اعمال کند. در نتیجه تا زمانی که اصل ۴ قانون اساسی<sup>۱۹</sup> اعتبار دارد هر بار که قوانین جزایی اصلاح شود مقررات مربوط به حدود تغییر چندانی نخواهد کرد. مواد ۲۱۷ تا ۲۸۸ از کتاب دوم ق.م.ا. ۱۳۹۲ به تبیین حدود پرداخته و جرایم زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، قوادی، قذف، سب نبی، مصرف مسکر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی الارض را به‌عنوان جرایم حدی احصاء نموده است. همان‌طور که متن ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ نشان می‌دهد ارجاع دعاوی به میانجیگری، حدود را شامل نمی‌شود و در این زمینه می‌توان گفت اعتقاد قانونگذار بر این بوده که در حدود توسل به فرایند عدالت ترمیمی جایز نیست، این در حالی است که به‌نظر می‌رسد ممنوعیت توسل به میانجیگری در حدود حداقل به‌صورت مطلق نباشد.

سؤال این است که کدام ویژگی موجود در این دست از جرایم موجب ممنوعیت استفاده از میانجیگری می‌شود؟ و پاسخ قانونگذار پشتوانه فقهی، مذهبی و استناد به آیات و روایات برای عدم استفاده از میانجیگری در مورد حدود است؛ اما باید گفت در مورد شفاعت، میانجیگری و

۱۶. جعفر بن حسن محقق حلی، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق)، ۱۳۴.

۱۷. سیف‌اله احدی، «کاوشی در موارد اختلافی حد و تعزیر»، *فصلنامه مطالعات اسلامی فقه و اصول* ۴ (۱۰۲)، ۲۷، (۱۳۹۴).

۱۸. ماده ۲۱۹: «دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است.»

۱۹. اصل چهارم قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است.»

دیگر مفاهیم موازی، آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد<sup>۲۰</sup> و دامنه این موضوعات به هیچ وجه محدود نشده است و با پیش‌بینی مصلحت اجتماع و قبح احصاء موارد کاربرد میانجیگری، خداوند متعال بر آن بوده شیوه استفاده و دامنه کاربرد آن را به عرف، عقل و مصلحت جامعه اسلامی واگذار کند. به‌زعم قانونگذار حدود خط قرمز حقوق کیفری الهی است که امکان اعمال هیچ‌گونه تدابیر مصلحتی و ترمیمی در آنها وجود ندارد! و شاید مهم‌ترین دلیل استناد به آیه ۲ سوره مبارکه نور<sup>۲۱</sup> مبنی بر عدم‌ترحم به زناکاران و استفاده نکردن از فرایند میانجیگری و یا شفاعت باشد؛ اما باید گفت مفهوم آیه به صورت بسیار محدود شامل اجرای کیفر و پرهیز از دلسوزی و ترحم بی‌مورد است و نهی از میانجیگری و دیگر فرایندهای ترمیمی از آن استنباط نمی‌شود. میانجیگری نه به معنای دلسوزی و ترحم است و نه موجبی است برای بی‌پاسخ ماندن جرم! با انعطافی که در برنامه‌های عدالت ترمیمی و به‌طور اخص در میانجیگری وجود دارد شاید بتوان گفت میانجیگری کیفری با اجرای حدود هم تضادی ندارد، اصلاح مجرم و آگاهی او از نتایج وخامت بار جرم، تشویق او به جبران خسارت‌ها، برانگیختن غرایز و اخلاقیات انسانی و درمورد حدود دعوت به توبه و بازگشت به راه صلاح از اهداف و کاربردهای میانجیگری است. همچنین قانع‌سازی و توجیه بزه‌دیده جرم حدی و کنترل خشم، ترس و ... در وجود او از دیگر مزایا و اهداف آن است که دستیابی به این اهداف ملازمه‌ای با لغو کیفر ندارد. شاید بتوان پس از اجرای فرایند میانجیگری مجرم را با وضعیت مناسب‌تری به زرادخانه کیفری اسلامی سپرد و یا پس از اجرای حد، درجهت ترمیم روابط و خسارت‌های موجود میانجیگری را بین طرفین دعوی اجرا نمود. البته برای رسیدن به این منظور باید موضوع میانجیگری کیفری منبسط‌تر و مفهوم آن را گسترده‌تر کرد.

از دیگر دلایل عدم استفاده از میانجیگری کیفری در حدود استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص) است: «لا تشفع فی حد اذا بلغ السلطان، یعنی وقتی حد به نزد حاکم رسید در آن

۲۰. در قرآن کریم به‌عنوان برگزیده‌ترین کتاب آسمانی بیش از صد بار مفاهیمی همچون حکمیت، داور، داور، شفاعت و ... تکرار شده‌اند.

۲۱. الزانیة و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلده و لا تاخذکم بهما رافه فی دین الله ان کنتم تومنون بالله و الیوم الاخر و لیشهد عذابهما طائفة من المومنین. به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در دین خدا، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند.



شفاعت نکن» و یا در همین رابطه حدیث امام صادق (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع) که می‌فرماید: «هیچ کس در حدی که جریان آن به امام رسیده باشد شفاعت نکند: زیرا چنین حدی در اختیار امام نیست؛ اما در مورد حدی که هنوز جریان امر آن به امام نرسیده است، اگر مجرم توبه کرده باشد، شفاعت کن.»<sup>۲۲</sup> ابتدا باید گفت که این روایات در مورد شفاعت است و شفاعت به معنای استدعای عفو و گذشت است که تفاوت‌هایی با نهاد میانجیگری دارد. همچنین به گونه‌ای دیگر می‌توان گفت این روایات نیز در مورد شفاعت یا میانجیگری پس از ارجاع موضوع حد به حاکم است و نمی‌توان ممنوعیت فرایند عدالت ترمیمی را در مرحله کشف جرم و یا تعقیب و تحقیق از آنها استنباط کرد. میانجیگری قبل از اثبات جرم می‌تواند مقدمه‌ای برای اصلاح و توبه مجرم در جرایم حدی باشد و هیچ چیز نمی‌تواند مانع حق توبه و بازگشت مجرم باشد. بی‌شک توبه نیز نیازمند ایجاد یک نوع آگاهی از وضعیت بزه‌دیده و زیان‌های به‌وجود آمده است و در این میان میانجیگری می‌تواند ابزاری کارآمد برای اصلاح امور و شخصیت بزه‌کار باشد. با نگاهی به قوانین موجود می‌توان گفت:

- ۱- ماده ۱۱۴ ق.م.ا. ق. ۱۳۹۲ توبه مجرم قبل از اثبات جرم و یا بعد از آن با لحاظ شرایطی را موجب سقوط مجازات و یا درخواست عفو از مقام رهبری دانسته در این زمینه میانجیگری می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح و توبه باشد؛
- ۲- نظر به ماده ۲۵۵ ق.م.ا. ق. ۱۳۹۲ حد قذف قابل گذشت است در نتیجه می‌توان گفت که قذف در هر مرحله قابل ارجاع به میانجیگری است و از این لحاظ هیچ‌گونه محدودیتی برای آن قابل تصور نیست؛
- ۳- باتوجه به مفهوم ماده ۲۶۸ ق.م.ا. ق. ۱۳۹۲ در سرقت حدی قبل از شکایت مال‌باخته نزد حاکم (رفع الامر الی الحاکم) طرفین می‌توانند به میانجیگری متوسل شوند.

۲۲. محمد بن الحسن حر عاملی، *وسائل الشیعه* (تهران: اسلامیه، ۱۳۸۶)، ۳۳۳.

۲۳. در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرایم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید. تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب حد است. تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم، به عنف، اکراه و یا اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده، به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هردو آنها محکوم می‌شود.

۲۴. ماده ۲۵۵: «حد قذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود.»

همچنین به خاطر اینکه بعد از شکایت و قبل از اثبات جرم نیز با گذشت شاکی حد ساقط می‌شود این موضوع به مرحله بعد از شکایت نیز قابل‌تعمیم است. بهترین راه برای جلب رضایت و گذشت شاکی در این موارد استفاده از فرایند برنامه‌های عدالت ترمیمی از جمله میانجیگری است. توضیح آنکه با استفاده از ترفندهای فوق می‌توان مانع ورود پرونده‌های حدی به چرخه کیفری و اعمال مجازات شد. با توجه دادن قضات به این موضوع و همچنین با نهادینه ساختن موضوع مهم بزه‌پوشی در میان اعضای دادسرا و ضابطین دادگستری می‌توان از عفو حاکم به‌عنوان حربه‌ای جدی در جهت استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی و جبران خسارت‌ها از بزه‌دیده، استفاده کرد؛

۴- درمورد تبصره ۲ ماده ۲۷۸ ق.م.ا. ق. ۱۳۹۲ میانجیگری می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح امور و توبه مجرم و در نتیجه موجبی برای آزادی او از حبس و یا تبدیل و تغییر نوع مجازات باشد.

بی‌شک پاسخ‌گویی به سؤالات زیر و تفکر و مذاقه در موضوع موجب روشن‌تر شدن مسئله میانجیگری کیفری در حدود می‌شود:

۱. آیا می‌توان گفت امام اختیار عفو محکوم حدی را دارد اما اختیار ارجاع موضوع به فرایند عدالت ترمیمی و اصلاح امور را ندارد؟
۲. چه مصالحی موجب می‌شود امام اختیار عفو محکوم به حد را داشته باشد؟ و آیا این مصالح را نمی‌توان به استفاده از فرایندهای ترمیمی من جمله میانجیگری تعمیم داد؟
۳. آیا مصالح سیاسی و اجتماعی مسلمین و صلاح‌دید طرفین دعوی نمی‌توانند رویه حدود را هرچند به میزان اندکی تغییر دهند؟ و آیا مصالح شخصی بزهکار، توبه و

۲۵. ماده ۲۶۸: «سرق در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد است: ... د - صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کند؛ ذ - صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد؛ ر - مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحت ید مالک قرار نگیرد؛ ز - مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق درنیاید.»

۲۶. حد سرقت به شرح زیر است: ... پ - در مرحله سوم حبس ابد است ... تبصره ۲- درمورد بند (پ) این ماده و سایر حبس‌هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بدانند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید.

ندامت او و مصلحت بزه‌دیده نمی‌توانند مسیر این دست از مجازات‌ها را به نفع آنها تغییر دهند؟ آیا فلسفه میانجیگری تنها منع مجازات است؟ و ... ؟

مساعادت در روند التیام، بهبودی و تسلای بزه‌دیده از طریق فراهم نمودن شرایط امن برای وی و نیز ایجاد شرایط لازم برای ملاقات با بزه‌کاران و بیان تجربه خود از تحمل جرم به صورت آزادانه از جمله اهداف میانجیگری در قبال بزه‌دیده است.<sup>۲۷</sup> این موضوعی است که متهم در بسیاری از جرایم حدی نیز به آن نیاز دارد. فرایند میانجیگری به طرفین کمک می‌کند تا مذاکرات در فضایی مطمئن با حفظ حریم خصوصی انجام گیرد، حال ممکن است طرفین اختلاف از بیان برخی موضوعات و ارائه اطلاعات در دادگاه ترس و یا شرم داشته باشند. درمقابل میانجیگری فرایند تبادل اطلاعات را آسان می‌کند و طرفین دعوی می‌توانند به صورت فعال‌تری در میانجیگری شرکت کنند. قضا‌دایی، جرم‌زدایی، ترمیم روابط و حل‌وفصل خصومت‌ها<sup>۲۸</sup> از دیگر اهداف و نتایج به‌کارگیری میانجیگری کیفی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های عدالت ترمیمی است، نتایج تحقیقات میدانی نیز بر این امر صحه می‌گذارد. نتیجه تحقیق انجام‌شده در شهرهای اهواز، ایلام و تبریز نشان می‌دهد که در حوزه جرایم حدی (به‌خصوص جرایم جنسی) استفاده از میانجیگری بسیار کارآمدتر از سیستم عدالت کیفری رسمی است. با توجه به قبح این دست از جرایم و اهمیت بزه‌پوشی در جرایم حدی هم‌اکنون در بسیاری از نقاط کشور این موضوعات به صورت شبانه و در جلسات خصوصی از طریق معتمدین و ریش‌سفیدان محلی رفع‌ورجوع و حل‌وفصل می‌شود.

جدول شماره ۱ فراوانی مربوط به مقایسه عملکرد میانجیگری و عدالت کیفری رسمی در جرایم حدی که نمونه مورد مطالعه آن ۳۱ نفر بزه‌دیده و ۴۴ نفر متهم در جرایم حدی بوده را نشان می‌دهد. حفظ آبرو، محرمانه بودن رسیدگی و بزه‌پوشی موضوعی است که در این جرایم از اهمیت بالایی برخوردار است. همان‌طور که داده‌ها نشان می‌دهد حفظ اسرار و بزه‌پوشی برای بزه‌دیده‌ها و متهمینی که طبق روال عرفی جامعه در میانجیگری شرکت کرده‌اند نسبت به شرکت‌کنندگان در فرایند عدالت کیفری رسمی به ترتیب به میزان ۳۵ و ۵۶ درصد وضعیت مطلوب‌تری داشته است.

۲۷. غلامی، پیشین، ۱۲۰.

۲۸. حسینوند، پیشین، ۱۲۹.

### جدول شماره ۱: حفظ اسرار و بزه‌پوشی

مجموع سه شهر		حفظ اسرار و آبروی طرفین و بزه‌پوشی
کیفری رسمی	میانجیگری	
۲۴ درصد	۵۹ درصد	بزه‌دیده
۱۷ درصد	۸۳ درصد	متهم

مسئله دیگری که در جرایم حدی از اهمیت زیادی برخوردار است آگاه‌سازی متهم و ترغیب او به انجام توبه است. همان‌طور که داده‌های جدول شماره ۲ نشان می‌دهد میزان ندامت و رغبت به توبه در متهمی که در فرایند میانجیگری کیفری شرکت کرده به میزان ۳۸ درصد وضعیت بهتری داشته است. این موضوع نتیجه شرمسازسازی مجرم از طریق اطرافیان است، فاکتوری که در دادگاه‌ها و در جریان دادرسی رسمی معمولاً نادیده گرفته می‌شود. در سیستم عدالت کیفری رسمی مجرم به دنبال پیشبرد اهداف خود در دادگاه است و به‌نوعی سعی دارد حق‌کشی و یا فرار از مجازات را از مجرای قانون پیگیری کند و متهم در مسابقه حقوقی که برد و باخت در آن مطرح است نهایت تلاش خود را برای پیروزی به‌کار می‌بندد و همین امر مانعی است برای بیدار شدن وجدان انسانی.

### جدول شماره ۲: احساس ندامت و اشتیاق به توبه

مجموع سه شهر		احساس ندامت و اشتیاق به توبه
کیفری رسمی	میانجیگری	
۳۸ درصد	۷۶ درصد	متهم

به‌نظر می‌رسد تحلیل مطالب فوق‌الذکر و همچنین نتایج تحقیقات میدانی، می‌تواند قانونگذار را توجیه کند تا در مقام پاسخ‌گویی به جرایم حدی، هرچند به‌صورت محدود و در برخی از جرایم و یا در مراحل اولیه چرخه دادرسی استفاده از میانجیگری را به‌عنوان پاسخی ترمیمی به‌صورت جدی‌تر مورد توجه قرار دهد.

## ۲- قلمرو میانجیگری در تعزیرات

تعزیر از ریشه (عزر) به‌معنای منع کردن، بازداشتن و سرزنش کردن آمده است. این اثیر در النهایه می‌گوید: تعزیر در اصل به‌معنای جلوگیری و بازداشتن است، لذا تأدیبی که به‌صورت

کمتر از حد باشد، تعزیر نامیده می‌شود، چراکه باعث بازداشتن مجرم از تکرار جرم می‌شود.<sup>۲۹</sup> برخی قاعده «التعزیر بما دون الحد» را به‌عنوان تفاوت تعزیر و حد بیان نموده‌اند اما امروزه این موضوع دیگر قاعده‌ای صحیح نیست و قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» پررنگ‌تر خود را نشان می‌دهد و می‌توان گفت حاکم در تعیین میزان مجازات به اصطلاح «مبسوط الید» است و ادعا بر آن است که این امر باتوجه به مقتضیات زمان، نوع جرم و شخصیت مجرمان انجام می‌گیرد. همان‌طور که کیفیت، کمیت و نوع مجازات در تعزیرات تابع مصالح اجتماعی است می‌توان گفت احاله آنها به میانجیگری نیز می‌تواند تابع همین مصالح باشد. در ماده ۱۸ ق.م.ا.<sup>۳۰</sup> ۱۳۹۲ تعزیر به مجازاتی غیر از حدود، قصاص و دیات گفته می‌شود که میزان کیفیت اجرای آن نه در شرع بلکه به‌موجب قانون تعیین شده است. قانون مجازات ۱۳۹۲ نسبت به قانون سابق ۱۳۷۰ در صورت تعزیرات اصلاحات و تغییراتی داشته است و مهم‌ترین تغییر آن ادغام مجازات‌های بازدارنده در تعزیرات است<sup>۳۱</sup> که در قانون پیشین جدا از هم تعریف شده بود. همچنین ماده ۱۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ برای اولین بار این مجازات‌ها را درجه‌بندی کرده و آنها را در هشت درجه از شدید به خفیف احصاء نموده است که در صدر آنها مجازات حبس قرار دارد و این درجه‌بندی بیشتر بر اساس مجازات حبس انجام شده است. بنابر تصریح ماده ۸۲ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲ قلمرو میانجیگری در جرایم تعزیری شامل جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ است یعنی باتوجه به میزان شدت درجه‌بندی، سه درجه خفیف جرایم را شامل می‌شود و در مجموع جرایم تا دو سال حبس تعزیری را پوشش می‌دهد.

۲۹. مبارک ابن ابی‌الکرم، نه‌ایه فی غریب الحدیث (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۳)، ۵۶۲.  
 ۳۰. ماده ۱۸: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به‌موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به‌موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف - انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم؛ ب - شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن؛ پ - اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم؛ ت - سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.»  
 ۳۱. ماده ۱۶: «تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.» ماده ۱۷: «مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به‌منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.»

قانونگذار مجازات تعزیری را برای جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت پیش‌بینی کرده است و با تفکیک این دو نوع از جرایم، جرایم قابل گذشت را به‌طور کلی در هر درجه باتوجه‌به خصوصی بودن آنها قابل‌ارجاع به شوراها حل اختلاف دانسته است و درمورد جرایم غیرقابل گذشت به جنبه خصوصی آنها اکتفاء شده است؛<sup>۳۲</sup> مانند قتل عمد که باتوجه‌به سببه اجتماعی میانجیگری یکی از مواردی است که همیشه با صلح‌وسازش فیصله می‌یابد و با گذشت شاکی مجازات به دیه تبدیل می‌شود؛ اما متأسفانه این دست از مجازات‌های تعزیری (قابل گذشت و غیرقابل گذشت) نه در آیین‌نامه میانجیگری و نه در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار نگرفته‌اند.

با این بیان می‌توان گفت در حقوق کیفری ایران میانجیگری کیفری ابزاری است برای استفاده در دعاوی خصوصی؛ و امکان توسل به آن در مجازات‌های تعزیری به‌صورت بسیار محدود پذیرفته شده است (تنها در جرایم خفیف درجه ۶، ۷ و ۸) و در دعاوی عمومی تقریباً میانجیگری جایگاهی ندارد؛ در برخی کشورها من جمله مصر و فرانسه هنگامی که دادستان باتوجه‌به اصل مناسب بودن میانجیگری از تعقیب صرف‌نظر می‌کند و پرونده را به سرویس‌های میانجیگری ارجاع می‌دهد، درواقع این فرایند ابزاری است برای اسقاط دعاوی عمومی!<sup>۳۳</sup>

در ایران بازپرس نمی‌تواند پرونده‌ها را به میانجیگری ارجاع دهد، اما طبق تبصره ماده ۸۲ بازپرس می‌تواند این تقاضا را از دادستان بنماید. همچنین در ماده ۸۲ آن قانون آمده است که «مقام قضایی می‌تواند» و از به‌کار بردن واژه مقام قضایی چنین استنباط می‌شود که علاوه‌بر دادسرا، دادگاه هم می‌تواند میانجیگری کیفری را اعمال کند؛ و در ماده ۱۶ لایحه تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان می‌گوید میانجیگری کیفری در مرحله اجرا هم امکان‌پذیر است.

میانجیگری نهادی چندسویه است: هم در توجه به جامعه، هم بزه‌کار و هم بزه‌دیده! هم می‌خواهد نظم را در جامعه برقرار سازد، هم بزه‌کار را اصلاح کند و هم خسارات بزه‌دیده را جبران نماید. گاه جبران خسارت با یک عذرخواهی ساده امکان‌پذیر است در اینجا موافقت بزه‌کار یعنی عمل ارتكابی را پذیرفته و سعی در جبران آن دارد. موافقت و درخواست شق

۳۲. ماده ۸ قانون شوراها حل اختلاف ۱۳۹۴: «درمورد زیر شوراها با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می‌کنند: الف - کلیه امور مدنی و حقوقی؛ ب - کلیه جرایم قابل‌گذشت؛ پ - جنبه خصوصی جرایم غیرقابل گذشت.»

۳۳. حسینیوند، پیشین، ۱۶۸.

اول ماده است و متهم از دادستان درخواست می‌کند که مهلت دوماه‌های به او بدهد تا موافقت و رضایت شاکی را به دست آورد و خیلی‌ها می‌گویند این اصلاً میانجیگری نیست؛ اما باتوجه‌به اینکه بیرون از دستگاه قضایی به توافق می‌رسند، نزدیک به میانجیگری کیفری جامعی است. زیرا مقام قضایی تنها مهلت تعیین می‌کند و مداخله دیگری انجام نمی‌دهد و طرفین در مهلت مقرر، بیرون از دادگاه صحبت می‌کنند و احتمالاً یک میانجی در بیرون دارند و فقط نتیجه آن برای دادسرا مهم است لذا به جامعی نزدیک می‌شود. به‌رحال میانجیگری می‌تواند منافع طرفین دعوی و جامعه را با هم تأمین کند و لازمه این موضوع گستردگی قلمرو آن در جرایمی است که مجازات آنها جنبه عمومی دارد؛ اما چیزی که مشخص است جرایم درجه ۶، ۷ و ۸ که باتوجه‌به درجات خفیف بودن آنها معمولاً شامل نهادهای عفو، گذشت، مجازات‌های جایگزین سنتی و نوین حبس و ... می‌شوند و جا داشت قانونگذار قلمرو میانجیگری را بیش از این گسترش می‌داد، به‌خصوص در مورد جرایم مربوط به اطفال و نوجوانان که آسیب‌های بیشتری را از دستگاه عدالت کیفری رسمی متحمل می‌شوند. از این لحاظ برای گسترش قلمرو میانجیگری در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در مورد جرایم تعزیری ممنوعیتی متصور نیست.

میانجیگری می‌تواند برای طرفین دعوی مزایای بی‌شماری داشته باشد. از جمله اینکه بزهکار را در معرض اعلام گذشت از ناحیه شاکی قرار داده و با توافقات صورت‌گرفته و نظر مساعد بزه‌دیده و مجریان میانجیگری، ضمانت‌اجراهای کیفری را محدود و مضیق کند. فرایند میانجیگری باعث ایجاد شرایط لازم برای بزهکاران جهت کسب اطلاعات و آگاهی لازم از نتایج وخامت بار جرم و تأثیر آن بر سایر افراد و نیز پذیرش آزادانه مسئولیت‌های ناشی از آن می‌گردد.<sup>۳۴</sup> جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که میانجیگری در جرایم تعزیری تا چه اندازه نسبت به عدالت کیفری رسمی می‌تواند، موفق عمل کند. در این جدول فراوانی مربوط به شاخص‌های ارزیابی‌شده مربوط به بزه‌دیده در هردو فرایند با هم مقایسه شده است. داده‌های حاصله نتیجه انجام مصاحبه با ۳۳۴ نفر از مجموع بزه‌دیده‌هاست. از این میان ۱۵۱ نفر از این بزه‌دیده‌ها در میانجیگری شرکت کرده‌اند و ۱۸۳ نفر از آنها در سیستم عدالت کیفری رسمی.

**جدول شماره ۳: فراوانی مربوط به بزه‌دیده**

سنجش شاخص‌ها برای بزه‌دیده	میانجیگری	عدالت کیفری رسمی
اقتناع شدن	۷۴ درصد	۶۱ درصد
میزان رضایت	۷۸ درصد	۴۹ درصد
احساس عدالت	۷۷ درصد	۶۰ درصد
احساس اختیار	۷۴ درصد	۵۵ درصد
میزان توجه به بزه‌دیده	۶۵ درصد	۴۶ درصد
ترس از بزه‌دیدگی مجدد	۶۶ درصد	۶۹ درصد
رضایت از زمان دادرسی	۵۷ درصد	۴۳ درصد
اعتماد به قاضی یا میانجیگر	۵۳ درصد	۴۷ درصد

در جدول شماره ۴ نیز فراوانی شاخص‌های ارزیابی‌شده در فرایند میانجیگری و عدالت کیفری رسمی مربوط به ۳۱۶ نفر از متهمین تبیین شده است. از این میان ۱۴۶ نفر از متهمین کسانی بوده‌اند که در میانجیگری شرکت کرده‌اند و ۱۷۳ نفر از آنها کسانی بوده‌اند که در سیستم عدالت کیفری رسمی قرار داشته‌اند. همان‌طور که مشخص است در تمامی شاخص‌های ارزیابی‌شده میانجیگری برای متهم مناسب‌تر از سیستم عدالت کیفری رسمی بوده است. همان‌طور داده‌های جدول‌های شماره ۳ و ۴ نشان می‌دهد که در تمامی شاخص‌های ارزیابی‌شده میانجیگری نسبت به عدالت کیفری رسمی وضعیت قابل‌قبول‌تری داشته است.

**جدول شماره ۴: فراوانی مربوط به بزه‌کار**

سنجش شاخص‌ها برای بزه‌کار	میانجیگری	رسمی
اقتناع شدن	۷۰ درصد	۵۶ درصد
میزان رضایت	۷۷ درصد	۵۳ درصد
احساس عدالت	۸۰ درصد	۶۹ درصد
احساس اختیار در دادرسی	۸۲ درصد	۴۵ درصد
توجه به بزه‌کار	۷۶ درصد	۵۳ درصد
رضایت از زمان دادرسی	۶۶ درصد	۳۶ درصد
اعتماد به قاضی یا میانجیگر	۸۰ درصد	۸۱ درصد

همان‌طور که میانجیگری می‌تواند به طرفین دعوی کمک کند و منافع آنها را تأمین سازد بی‌شک منافع اجتماع را نیز بهتر از سیستم عدالت کیفری رسمی می‌تواند حفظ کند. به نظر



نویسنده در اینجا به راحتی می‌توان پیشنهاد صلح بین بزهدار و دادسرا یا دادگاه را مطرح کرد. بدین معنا که در صورت توافق بین بزهدیده و بزهدار، مقام قضایی نیز به دنبال راهی باشد که دعوای عمومی را به صلح خاتمه دهد. در اینجا قانونگذار می‌تواند در مورد برخی از جرایم که حساسیت عمومی چندانی ندارند امکان صلح و سازش بین متهم و دستگاه قضایی را فراهم سازد. بازپرس، دادستان و یا قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده می‌تواند به نیابت از جامعه پیشنهاد صلح و سازش را به متهم ارائه دهند و از طریق برخی از ضمانت‌های اجرایی مانند جزای نقدی، اثر دعوای کیفری عمومی را خنثی سازند. حتی می‌توان موضوع را این‌گونه مطرح کرد که در صورت عدم توفیق میانجیگری بین بزهدیده و بزهدار، میانجیگری بین دادسرا و متهم در خصوص جنبه عمومی جرم انجام شود و در صورت توفیق میانجیگری و ایجاد صلح بین متهم و دادسرا تنها جنبه خصوصی و حقوقی جرم باقی می‌ماند. حال باید این سؤال را مطرح کرد: وقتی که بزهدیده می‌تواند فرایند میانجیگری را انتخاب کند، چرا دادستان، بازپرس و یا قاضی به نیابت از جامعه نتوانند در مورد جنبه عمومی جرم به فرایند میانجیگری متوسل شوند؟ کرامت انسانی، مبانی حقوق بشری، منطق آمار، مصلحت اجتماعی و ... جملگی گسترش قلمرو میانجیگری در جرایم تعزیری و مجازات‌هایی که جنبه عمومی دارند را به راحتی توجیه می‌کنند. از مجموع مطالب فوق‌الذکر و منطق به دست آمده از تحقیق میدانی می‌توان این مطلب را توجیه کرد که میانجیگری در بسیاری از جرایم به خصوص جرایم تعزیری کارکرد و نتیجه مطلوب‌تری نسبت به سیستم عدالت کیفری رسمی دارد در نتیجه گسترش قلمرو میانجیگری در این دست از جرایم قابل توجیه و به صرفه است.

### ۳- قلمرو میانجیگری در قصاص و دیات

جرم یا از مقوله جنایات است، یعنی جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد یا از مقوله جنایات نیست. در فرض نخست، مجازات عمل، یا استیفاء مثل جنایت از جانی است، بدین معنا که جانی به مجازاتی شبیه جنایتش محکوم می‌شود و یا آنکه استیفاءی مثل جنایت از جانی صورت نمی‌گیرد، بلکه از جانی در قبال جنایتش مالی گرفته می‌شود. صورت نخست را قصاص و صورت دوم را دیات می‌نامند.<sup>۳۵</sup> در این گفتار قلمرو میانجیگری کیفری در این

۳۵. احمد حاجی‌ده‌آبادی، «طبقه‌بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی، جایگاه تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده»، *مجله حقوقی دادگستری* ۷۶ (۶۹) (۱۳۸۹)، ۱۵.

دست از جرایم تبیین می‌گردد.

### ۳-۱- قلمرو میانجیگری در قصاص

مواد ۲۸۹ تا ۴۴۷ از کتاب سوم ق.ا.م. ۱۳۹۲ به موضوع جنایات و قصاص اختصاص داده شده است. واژه قصاص از «قص» گرفته شده است که در زبان عربی به معنای «به دنبال کسی رفتن» و «پا جای پای وی گذاشتن» آمده است.<sup>۳۶</sup> قصاص در قانون مجازات تعریف نشده اما ماده ۲۸۹ قانون مذکور آن را مجازات جنایت بر نفس، عضو و منافع می‌داند. در اصطلاح فقهی، پیگیری نمودن اثر جنایت و جرح را قصاص گویند، به گونه‌ای که قصاص‌کننده عیناً همان جنایت وارده را به جانی وارد نماید. باتوجه به ماده ۳۴۷ این قانون<sup>۳۷</sup> می‌توان گفت احاله دعاوی قصاص به میانجیگری کیفری هیچ‌گونه منع قانونی ندارد. صاحب حق قصاص می‌تواند مجنی‌علیه یا وارث او باشد. همچنین در مورد صغیر یا مجنون که فاقد ولی هستند اختیار امور با مقام رهبری است. در تمامی صور مذکور امکان استفاده از میانجیگری برای ایجاد مصالحه و جبران خسارت‌ها وجود دارد. یکی از مهم‌ترین و عمده‌ترین موارد استفاده از میانجیگری کیفری در ایران موارد قصاص است که معمولاً به صورت عرفی در اکثر نقاط این کشور اجرا می‌شود. درحالی‌که سیستم عدالت کیفری رسمی مردم را برای تماشای اجرای قصاص دعوت می‌کند، میانجیگران و مصلحان اجتماعی مردم را به درب منزل صاحب حق قصاص دعوت می‌کنند تا بست بنشینند و از قصاص‌های غیرضروری پیشگیری کنند. قانون مجازات اسلامی با پیروی از فقه، قصاص را برای جنایات عمدی مادون نفس، حق مجنی‌علیه و در قتل، حق ورثه می‌داند؛ بنابراین اختیار تعیین مجازات برای بزه‌دیده‌ها و علاوه بر آن جنبه عمومی جرم نیز پیش‌بینی شده است. لذا قصاص یکی از جرایمی است که در آن حق خصوصی بر حق عمومی غالب است. با این تفسیر قابلیت‌های میانجیگری کیفری می‌تواند در قصاص کاربرد و نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

از مهم‌ترین آیات در باب قصاص می‌توان به آیات ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۹۴ سوره بقره، ۳۲ و ۴۵ سوره مائده اشاره کرد.<sup>۳۸</sup> توجه به قصاص به عنوان یک حق، توصیه به بخشش و عفو و تبیین

۳۶. همان، ۴۵.

۳۷. ماده ۳۴۷: «صاحب حق قصاص در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی یا اجرای حکم می‌تواند به طور مجانی یا با مصالحه، در برابر حق یا مال گذشت کند.»

۳۸. آیه ۱۷۸ سوره بقره: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الاثنی

عفو به‌عنوان صدقه‌ای برای بخشش گناهان از مهم‌ترین موضوعاتی هستند که در این آیات ذکر شده‌اند. تأکید قرآن و روایات بر مسئله عفو آن‌قدر مهم است که پیامبر (ص) برای تأکید بر اهمیت آن در مورد ولی‌دم می‌فرماید: «اگر قصاص کند، او هم مانند قاتل خواهد بود.»<sup>۳۹</sup> از نقطه نظر فقهی، عفو بزه‌دیده در جنایات (مادون نفس) نافذ است و اوست که می‌تواند قصاص کند یا عفو نماید و بر مقدار دیه شرعی یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید. در قتل نفس عمدی نیز این ورثه مقتول (و از نظرگاه عدالت ترمیمی بزه‌دیدگان ثانویه یا تبعی) هستند که جریان عدالت را در دست دارند و در فرایند رسیدگی نقش مؤثر و بسزائی را ایفاء می‌کنند تا جایی که زنده ماندن یا نماندن بزه‌کار به تصمیم آنها بستگی دارد.<sup>۴۰</sup> همان‌گونه که می‌بینیم در جرایم مشمول قصاص نفس یا عضو، خصوصیت حق‌الناسی جرم غالب بوده و به تبع آن، بزه‌دیده با داشتن حق گذشت از مجازات مجرم، می‌تواند در فرایند رسیدگی نقش ایفاء کند. از این رو ترمیمی بودن چنین رویه‌ای روشن و آشکار است، ضمن آنکه می‌توان با در نظر گرفتن تمهیداتی از این فرصت پیش‌آمده بهره جست و ماهیت جرایم مشمول قصاص نفس یا اطراف آن را بیش‌ازپیش ترمیمی کرد. همچنین مواردی نیز وجود دارد که ولی‌دم حاکم اسلامی بوده و در عفو یا قصاص بزه‌کار، دارای صلاحیت و اختیار است.<sup>۴۱</sup> در چنین مواردی نیز حاکم می‌تواند با استفاده از اختیار خود، رویکردی ترمیمی در جهت جبران خسارت جامعه (به‌عنوان بزه‌دیده ثانویه) اتخاذ نماید و از ظرفیت عدالت ترمیمی در خصوص بزه‌کاران بهره جوید. هرچند بنا به نظر فقهای اهل سنت و برخی از فقهای شیعه حاکم اختیار عفو بدون عوض را ندارد، لیکن در چنین صورتی نیز می‌توان به عوض کم رضایت داده یا از عوض

---

بالانسی فمّن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان ذالک تخفیف من ربکم و رحمہ فمّن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم؛ و ای کسانی که ایمان آورده‌اید درباره کشتگان بر شما (حق) قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن؛ و هرکس از جانب برادر دینی‌اش (ولی مقتول) چیزی از حق قصاص به او گذشت شود، باید از گذشت ولی مقتول به‌طور پسندیده پیروی کند و با رعایت احسان خون‌بها را به او بپردازد. این حکم تخفیف و رحمتی از پروردگار شمامست، پس هرکس بعد از آن از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است. بقره آیه ۱۷۹: «ولکم فی القصاص حیاہ یا اولی الاباب لعلکم تتقون»؛ و ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که به تقوا گرایید؛ و ...

۳۹. رحیم نوبهار، «شفاعت در حد و تعزیر»، پژوهش حقوق کیفری ۲(۷) (۱۳۹۳)، ۹۷.

۴۰. روح‌الله فروزش، جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران (تهران: خرسندی، ۱۳۸۶)، ۸۸.

۴۱. ماده ۳۵۶: «اگر مقتول یا مجنی‌علیه یا ولی‌دمی که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولی او، مقام رهبری است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند.»

دریافتی از بزهکار، در جهت سازوکارهای ترمیمی بهره جست.

حق گذشت و مصالحه نیز در ماده ۳۴۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ در تمام مراحل برای صاحب حق قصاص در نظر گرفته شده و نشانگر اختیارات گسترده‌ای برای صاحب حق است. این رویکرد بیانگر اهمیت و عنایت ویژه قانونگذار به بزه‌دیده‌ها و آماده‌سازی فضا برای امکان عملی کردن برنامه‌های عدالت ترمیمی است. در مواد دیگر قانون مجازات اسلامی در مورد حقوق اولیای دم صحبت شده و در آن موارد لزوم فعال شدن برنامه‌های عدالت ترمیمی از جمله نشست‌ها، محافل، حلقه‌ها و غیره احساس می‌شود.<sup>۴۲</sup> در خصوص جرایمی که مجازات آنها قصاص است به استناد ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ قاضی رسیدگی‌کننده موظف به سعی و تلاش برای ایجاد صلح و سازش با هماهنگی با طرفین است.<sup>۴۳</sup> این اختیار قانونگذار برای قضات مربوط به اموری است که با صلح طرفین پرونده خاتمه می‌یابد. در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ باتوجه به بند (ب) ماده ۱۳ گذشت در جرایم قابل گذشت باعث سقوط مجازات است و لذا قصاص باتوجه به این شرح قابل گذشت و مصالحه است. در عرف اجتماعی ایران مهم‌ترین کاربرد میانجیگری در جرایم مشمول قصاص و به‌ویژه قصاص نفس است و در این راستا آیین‌های سنتی فصل، خون‌بس و پتر قابل اشاره و بررسی است. در هر صورت ارجاع پرونده به گروه‌های اجتماعی و استفاده از ظرفیت و پتانسیل‌های عدالت ترمیمی تاکنون منافع زیادی برای جامعه ایران داشته و از این پس نیز خواهد داشت؛ اما در متن ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ اثری از ارجاع مجازات قصاص به میانجیگری وجود ندارد، ولی باتوجه به ماده ۸ قانون شوراها حل اختلاف ۱۳۹۴ می‌توان موضوعات قصاص را به این شوراها برای وساطت و میانجیگری ارجاع داد. به نظر می‌رسد قانونگذار می‌توانست گستره این موضوع را در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به صورت صریح و روشن تبیین کند تا قلمرو میانجیگری موضوع این ماده گسترده‌تر، کارآمدتر و بهینه‌سازی شود.

۴۲. ماده ۳۴۸: «حق قصاص، به شرح مندرج در این قانون به ارث می‌رسد.» ماده ۳۵۰: «در صورت تعدد اولیای دم، حق قصاص برای هریک از آنان به‌طور جداگانه ثابت است.» ماده ۳۵۱: «ولی دم، همان ورثه مقتول است بجز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد.» ماده ۳۵۲: «اگر حق قصاص، به‌هرعلت، تبدیل به دیه شود یا به مال یا حقی مصالحه شود، همسر مقتول نیز از آن ارث می‌برد. اگر برخی از اولیای دم، خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند، همسر مقتول، از سهم دیه کسانی که خواهان دیه می‌باشند، ارث می‌برد.» ماده ۳۵۳: «هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه او می‌رسد حتی اگر همسر مجنی‌علیه باشد.»

۴۳. در اموری که ممکن است با صلح طرفین قضیه خاتمه یابد دادگاه کوشش لازم و جهد کافی در اصلاح ذات‌البین به‌عمل می‌آورد و چنانچه موفق به برقراری صلح نشود، رسیدگی و رأی مقتضی صادر خواهد کرد.

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد در فرایند میانجیگری کیفری مذاکرات رودررو، صحبت‌های مستقیم و بیان احساسات و رنج‌ها و آثار واقعی بزه بر زندگی بزه‌دیده و خانواده وی باعث آگاهی بزهکار از آثار واقعی عمل خویش می‌شود<sup>۴۴</sup>؛ لذا وجدان انسانی بزهکار بیدار گشته و ضمن قبول بزه، آثار و نتایج آن، احساس همدردی و ندامت خود را ابراز می‌نماید و این احساس و ابراز همدردی است که باعث تسلی خاطر و رضایتمندی بزه‌دیده و تأثیر مثبت بر عملکرد آینده بزهکار می‌گردد. فراهم شدن این مهم در گرو تلاش دست‌اندرکاران قضایی و میانجیگران است و تا این تلاش‌ها انجام نشود در جرایم مستوجب قصاص موضوع به خیر و نیکی ختم نمی‌شود. فراوانی‌های مربوط به میزان تلاش میانجیگر و قاضی برای بهبود روابط و رفع کدورت‌ها در نمونه مورد مطالعه در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. میزان تلاش دست‌اندرکاران میانجیگری و سیستم عدالت کیفری رسمی در فرایند میانجیگری نسبت به عدالت کیفری رسمی برای بزه‌دیده و متهم به ترتیب به میزان ۸ درصد و ۲۴ درصد وضعیت مناسب‌تری داشته است. ارقام حاصل‌شده از نظر آماری دارای اهمیت معناداری هستند. همان‌طور که مشخص است میانجیگری در تقویت ارتباطات و ایجاد آشتی می‌تواند موفق عمل کند. چراکه مفاهیمی همچون قصاص، انتقام و ... در این فرایند به حاشیه رانده می‌شوند.

#### جدول شماره ۵: تلاش قاضی یا میانجیگر برای بهبود روابط

مجموع سه استان		تلاش قاضی یا میانجی برای بهبود روابط
کیفری رسمی	میانجیگری	
۵۵ درصد	۶۳ درصد	بزه‌دیده
۵۴ درصد	۷۸ درصد	بزهکار

در جرایم موجب قصاص تلاش قاضی و میانجیگر و تقویت احساسات انسانی در طرفین باید به رفع کدورت‌ها، ترمیم اخلاق از دست‌رفته مجرم، عفو و بخشش منتهی شود. چراکه فلسفه وجودی همه قوانین دفاع از اخلاق جامعه است. عدالت کیفری چه رسمی باشد و چه غیررسمی به دنبال بازگشت نظم از دست‌رفته و ترمیم ارزش‌های اخلاقی پایمال شده است و کاملاً مشخص است هر فرایندی که در دستیابی به این اهداف توفیق بیشتری داشته باشد حفظ و نگاهداشت آن ارجحیت پیدا می‌کند؛ اما چیزی که مشخص است عدالت کیفری

رسمی در این زمینه‌ها تقریباً موفق عمل نمی‌کند. در این شیوه از دادرسی، بی‌نظمی به از دست رفتن قدرت دولت تعریف می‌شود و در نتیجه قدرت ازدست‌رفته دولت با مجازات افراد بازآفرینی می‌شود و توجه چندانی به ترمیم روابط و یا اخلاق ازدست‌رفته و سنت حسنهٔ عفو و بخشش نمی‌شود. فراوانی‌های مربوط به نتیجه هر یک از این فرایندها در مطالعه موردی در جدول شماره ۶ نشان داده شده است. در حالی که ۲۷ درصد بزهدیده‌ها نوع رابطه را پس از میانجیگری دوستانه دانسته‌اند، در فرایند عدالت کیفری رسمی این فراوانی به ۸ درصد کاهش یافته است. این فراوانی برای بزهدار در میانجیگری ۲۳ درصد و در عدالت کیفری رسمی ۱۳ درصد است. آمار قابل توجه نقطه مقابل رابطه دوستی یعنی دشمنی است که این آمار متأسفانه برای بزهدار در حالی که در میانجیگری ۹ درصد است در فرایند عدالت کیفری رسمی به ۴۱ درصد رسیده است.

**جدول شماره ۶: نتیجه میانجیگری و عدالت کیفری رسمی**

مجموع سه استان		نتیجه فرایند	
کیفری رسمی	میانجیگری		
۸ درصد	۲۷ درصد	دوستی	دوستانه
۷۱ درصد	۵۳ درصد	بی‌تفاوت	
۲۱ درصد	۲۳ درصد	دشمنی	
۱۳ درصد	۳۰ درصد	دوستی	دشمنانه
۴۶ درصد	۶۱ درصد	بی‌تفاوت	
۴۱ درصد	۹ درصد	دشمنی	

همان‌طور که منطق به‌دست‌آمده در جدول بالا نشان می‌دهد میانجیگری در سطح جامعه برای حل و فصل مجازات قصاص همچنان کارآمد است؛ اما در این زمینه چندین مشکل قابل‌احصاء است، من جمله، بزهدار محور بودن میانجیگری در جرایم موضوع قصاص، عدم تبیین قلمرو حقوقی میانجیگری به صورت روشن، فقدان میانجیگران حرفه‌ای مسلط به قوانین حقوقی و آگاه از دانش جرم‌شناسی، نبود مؤسسات مردم‌نهاد میانجیگر و ...! مشخص است که بسیج نمودن نیروهای اجتماعی و تقویت مؤسسات میانجیگری نیازمند قوانین روشن‌تر، کاربردی‌تر و منطبق با جامعه ایرانی است.

## ۳-۲- قلمرو میانجیگری در دیات

مواد ۴۴۸ تا ۷۲۸ از کتاب چهارم از ق.م.ا. ۱۳۹۲ به موضوعات راجع به دیه اختصاص پیدا کرده است. دیه مصدر فعل ودی - یدی به معنای دادن مال است<sup>۴۵</sup>، مالی که به علت جنایت بر اعضاء و منافع به مجنی‌علیه داده می‌شود، به آن دیه گفته می‌شود و در زبان فارسی خون‌بها تعریف شده است.<sup>۴۶</sup> باتوجه به تعریف قانون مجازات اسلامی از مجازات‌های خصوصی و قابل‌گذشت، دیه از موارد مجازات‌های قابل‌گذشت است و رویه‌ای همانند قصاص دارد<sup>۴۷</sup>، چراکه اختیار گرفتن دیه و یا گذشت از دریافت آن در دست مجنی‌علیه است؛ بنابراین گفته می‌شود کارکرد میانجیگری در این وادی گسترده و واضح است. در عمل دیه بهترین وسیله برای جبران خسارت بزه‌دیده‌های جرایم عمدی از رهگذر فرایند میانجیگری است که باتوجه به حالت مجرمانه و اوضاع و احوال واقعه، کمتر یا بیشتر از دیه تعیینی از طرف شرع و قانون در نوسان است. نمودهای این روش از اصول آیین‌های فصل اعراب، خون‌بس از اقوام بختیاری، خون صلح در اقوام کرد، پتر (پناهندگی) اقوام بلوچ و دیگر رسومات میانجیگری جامعه در نقاط مختلف کشور است.

مواد ۴۴۸ و ۴۴۹ ق.م.ا. ۱۳۹۲ دیه مقدر و غیرمقدر را تعریف کرده است.<sup>۴۸</sup> ماده ۴۵۲ قانون مذکور دیه را حق شخصی مجنی‌علیه یا ولی دم می‌داند. دیه قابل‌مصالحه، ابراء و تهاتر است و همچنین پرداخت‌کننده آن ممکن است دولت، مجرم یا عاقله او باشد. شرایط دیه برای ارجاع به میانجیگری همانند قصاص است، آنچه درباره میانجیگری در قصاص گفته شد باتوجه به جنبه خصوصی هردو مجازات درمورد قلمرو میانجیگری در جرایم مشمول دیات نیز گسترده‌گی و فراگیری همانندی دارند. این موضوع نیز بنابر ماده ۸ قانون شوراهای حل

۴۵. احمد بن محمد فیومی، مصباح‌المنیر (قم: دارالهیجه، ۱۴۱۵ ق)، ۶۵۴.

۴۶. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ۱۱۴۵۴.

۴۷. دیه اعم از مقدر و غیرمقدر مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هرجهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.

۴۸. ماده ۴۴۸: «دیه مقدر مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هرجهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.» ماده ۴۴۹: «ارش دیه غیرمقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد، مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود.»

اختلاف قابل‌مصالحه و میانجیگری از سوی این شورا است اما در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ هیچ‌گونه اشاره‌ای به آن نشده است و این از نقایص این ماده است، چراکه قرار است برای میانجیگری مؤسسات و نهادهای اختصاصی تشکیل شود و بهتر بود این وظیفه به‌طور اخص به این مؤسسات واگذار می‌شد.

احیاء، بازسازی و ترمیم شخصیت انسانی و عطف‌بزه‌دیده، ترمیم زبان‌ها و خسارت‌های مالی، ترمیم و درمان لطمات جسمانی و روانی، احیاء و اعاده حقوق و آزادی‌های ازدست‌رفته انسانی بزه‌دیده، بازسازی و احیای نهادهای اجتماعی، مانند خانواده، مدرسه و محیط‌های کاری و اشخاص حقوقی بزه‌دیده و ترمیم و جبران خسارات و لطمات وارده بر آنها<sup>۴۹</sup> از اهداف میانجیگری است و در جرایم مستوجب دیه به‌طور اخص موضوع جبران خسارت و بهبود وضعیت بزه‌دیده از اهمیت بیشتری برخوردار است. میانجیگری کیفری، از ابزارهای سرکوب‌گری که باعث گسست و اختلال بیشتر در جامعه می‌شود، بهره‌ای نمی‌برد و با تمسک به روش‌های غیرکیفری از ایجاد این اختلالات و پسامدهای ناشی از آن جلوگیری می‌کند<sup>۵۰</sup> و با استفاده از توانایی‌های طرفین و گاه بسیج نیروها و ظرفیت‌های اجتماعی امکان جبران خسارت‌های مادی و معنوی را به‌صورت حداکثری فراهم می‌سازد. همان‌طور که در جدول شماره ۷ نشان داده شده است جبران خسارت برای بزه‌دیده و میزان تلاش بزه‌کار برای جبران خسارت در فرایند میانجیگری نسبت به عدالت کیفری رسمی به ترتیب به میزان ۵ و ۱۲ درصد وضعیت مناسب‌تری داشته است. در اینجا این توضیح لازم است که علت پایین بودن اختلاف جبران خسارت برای بزه‌دیده در میانجیگری و عدالت کیفری رسمی عدم‌آشنایی میانجیگران با اهداف و شیوه صحیح اجرای میانجیگری است. باتوجه‌به عرف کنونی جامعه ایرانی سازش، گذشت و شفاعت که از مفاهیم نزدیک و مشابه میانجیگری هستند، کاربرد فراوانی دارند و معمولاً میانجیگران بزه‌دیده را بیشتر به گذشت و یا کاهش انتظارات خود دعوت می‌کنند.

49. John Braithwaite, "Setting Standards for Restorative Justice," *BRIT. J. CRIMINOL* 42 (2002): 563-577.

50. Gordon Bazemore & Mark Umberit, "A Comparison of Four Restorative Conferencing Models." February 2001, <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/ojdp/184738.pdf>, 10.



## جدول شماره ۷: وضعیت جبران خسارت

مجموع سه استان		جبران خسارت
کیفری رسمی	میانجیگری	
۵۴ درصد	۵۹ درصد	از نظر بزه‌دیده
۶۰ درصد	۷۲ درصد	از نظر متهم

باتوجه به این داده‌ها می‌توان گفت میانجیگری‌ای که هم‌اکنون به صورت عرفی و غیراستاندارد در جامعه انجام می‌شود نسبت به عدالت کیفری رسمی موفق‌تر عمل کرده است؛ اما در اینجا وضع قوانین برای حفظ اعتدال در محورهای سه‌گانه میانجیگری لازم و ضروری است. در اجرای این فرایند انتظار آن است که به صورت هم‌زمان منافع بزه‌دیده - بزه‌کار و جامعه به صورت یکسانی حفظ شود و حفظ این تعادل نیازمند نگارش قوانین حمایتی در هر سه محور است. میانجیگری در دیات نباید به عدم پرداخت آن ختم شود و این موضوع نیازمند حمایت‌های قانونی برای متعادل نگاه‌داشتن محورهای حمایتی میانجیگری در دیات و قصاص است.

## نتیجه

درحالی که هدف بشر از قانون‌نویسی شکل‌گیری زندگی بهتر، جامعه‌ای منظم‌تر و پاسخ‌دهی بهتر و کنترل راحت‌تر تنش‌های اجتماعی بود اما امروز دایره حکومت قانون از اراده انسان‌ها فراتر رفته است و این قانون است که بر جامعه انسانی و اراده‌های اجتماعی حکومت می‌کند و حکومت انسان جای خود را به حکومت قانون و بوروکراسی‌های هم‌زاد آن داده است و این‌گونه انسان امروزی در زندان خودساخته گرفتار شده است. در این میان و در ادامه سلطه قوانین کیفری (با پشتوانه‌های ایدئولوژیک)، هر روز شاهد شناسایی توده‌های عظیمی از خسارت‌های قانونی و ستم‌های اجتماعی نوین هستیم که با ابزار قانون و از طریق کانال‌های قانونی به مردم تحمیل می‌شوند! در این میان گفتمان عدالت ترمیمی بر آن است تا با گریز از سلطه قوانین کیفری و کیفرگرایی دولتی به سمت‌وسوی دموکراسی و تقسیم قدرت بین افراد جامعه پیش برود و با ارائه راهکارهایی من‌جمله میانجیگری به هویت بخشی و بازپس‌دهی اختیارات به سهامداران اصلی جرم اقدام کند.

در آیین‌نامه میانجیگری ۱۳۹۴ در تعریف میانجیگری آمده است: فرایندی که طی آن بزه‌دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در فضای مناسب درخصوص علل، آثار و نتایج جرم

انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارت ناشی از آن نسبت به بزه‌دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد.

چیزی که از آیین‌نامه و ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ استنباط می‌گردد: در حقوق کیفری ایران میانجیگری برای حل اختلافات خصوصی است آن‌هم به صورت بسیار محدود! کیفرهای الهی (حدود) به طور کامل قابل ارجاع به میانجیگری نیست. کیفرهای حکومتی (تعزیری) به صورت بسیار محدود، کیفرهای خصوصی (قصاص) و جبران خسارت‌ها (دیات) به صورت ضمنی قابل ارجاع به شورای حل اختلاف است. چیزی که مشخص است اینکه قانونگذار ایران هنوز اعتقادی به برنامه‌های عدالت ترمیمی ندارد و نتوانسته است همپای دیگر کشورهای پیشرو از مکاتب کیفرگرا و تفکرات ناسودمند عبور کند، در نتیجه این روند، برنامه‌های عدالت ترمیمی به خصوص میانجیگری کیفری در کتاب قانون مجازات به صورت بسیار جزئی و محدود پیش‌بینی شده است و در آینده‌ای نه‌چندان دور این مشکل بی‌شک موجب ابتر شدن رسالت میانجیگری و نهادهای مرتبط با آن می‌شود. باتوجه به تأکیدهای بی‌حدوحصر خداوند متعال و معصومین (ع) به شفاعت، اصلاح ذات‌البین، داوری و ... دیگر مفاهیم مشابه و با در نظر گرفتن نظریات جدید علوم جرم‌شناسی و دکترین حقوقی، آسیب‌های عدالت کیفری رسمی و از همه مهم‌تر نظریات جدید و تحولات چشمگیر گفتمان عدالت ترمیمی و ... رویکرد کنونی مقنن حقوق کیفری در مورد میانجیگری نه حامی نظریات مذهبی و عرفی است و نه در مسیر تحولات نوین علوم جنایی! در پایان این پژوهش باتوجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

۱. میانجیگری در جرایم حدی می‌تواند با شرایطی زمینه‌ساز کاهش شمار پرونده‌های قضایی یا حل و فصل سریع‌تر آنها باشد. در این راستا اصلاح ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و تسری میانجیگری به تمامی جرایم حدی قبل از اثبات آنها و در مورد جرایم قذف و سرقت بعد از اثبات آنها می‌تواند در بهینه‌سازی میانجیگری و گسترش قلمرو آن مفید واقع شود؛
۲. لازم است دعای مربوط به قصاص و دیات به ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ اضافه شوند و قلمرو میانجیگری در حقوق موضوعه در این رابطه لازم است به طور صریح و روشن تبیین گردد؛
۳. بهتر آن است که گستره قلمرو میانجیگری کیفری در حوزه تعزیرات افزایش یابد، به نظر شمول جرایم درجه ۶، ۷ و ۸ در این زمینه ناکافی است و باتوجه به نتایج مثبت

برنامه‌های عدالت ترمیمی و مشکلات کنونی عدالت کیفری رسمی این موضوع بسیار مفید خواهد بود. مجازات‌های خفیف (درجه ۶، ۷ و ۸) شامل تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و دیگر جایگزین‌های حبس نیز می‌شوند و در این زمینه ایجاد ساختاری موازی با نام میانجیگری کیفری برای گریز از عدالت کیفری رسمی غیرمعتادانه است و زمانی موضوع بهینه می‌گردد که گستره و قدرت مانور بیشتری برای فرایند میانجیگری در نظر گرفته شده باشد. تصویب قانون، آیین‌نامه‌نویسی، ساختارآفرینی و ... باید معقولانه‌تر و به‌صرفه‌تر باشد؛

تبيين چند ماده قانونی برای حفظ تعادل محورهای میانجیگری و حفظ منافع بزه‌دیده - بزه‌کار و جامعه در هنگام اجرای این فرایند به‌خصوص در جرایم مستوجب قصاص و دیات لازم و ضروری است.

## فهرست منابع

### الف. منابع فارسی

- آیین‌نامه میانجیگری.
- احدی، سیفاله. «کاوشی درموارد اختلافی حد و تعزیر». *مطالعات اسلامی فقه و اصول* ۱۰۲ (۱۳۹۴): ۹-۳۲.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد. «طبقه‌بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی، جایگاه تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده». *مجله حقوقی دادگستری* ۶۹ (۱۳۸۹): ۳۵-۹.
- حسینوند، موسی. *میانجیگری در پرتو آموزه‌های عدالت ترمیمی*. تهران: مجد، ۱۳۹۴.
- دهخدا، علی‌اکبر. *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رایت، مارتین، تونی مارشال و مایکل مایز. *عدالت ترمیمی*. ترجمه امیر سماواتی پیروز. تهران: خلیلیان، ۱۳۸۴.
- سماواتی پیروز، امیر. *عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن*. تهران: بینه، ۱۳۸۵.
- سودانی سادری، بدر. «مطالعه تطبیقی میانجیگری کیفری در حقوق ایران، مصر و انگلیس». رساله دکتر، دبی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات، ۱۳۹۶.
- عباسی، مصطفی. *میانجیگری کیفری*. تهران: دانشور، ۱۳۸۲.
- عمید، حسن. *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۹.
- غلامی، حسین. *عدالت ترمیمی*. تهران: سمت، ۱۳۹۳.
- فروزش، روح‌الله. *جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران*. تهران: خرسندی، ۱۳۸۶.
- فلو، ویلم. *نظام قضایی عصر صفوی*. ترجمه حسن زندیه. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون شوراها و حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- گرشاسبی، اصغر. *هنر و فن میانجیگری*. تهران: مهاجر، ۱۳۸۸.
- لایحه تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی*. جلد ۴. تهران: سپهر، ۱۳۷۲.
- نوبهار، رحیم. «شفاعت در حد و تعزیر». *پژوهش حقوق کیفری* ۷ (۱۳۹۳): ۱۳۰-۱۰۳.

## ب. منابع عربی

- ابن ابی‌الکرم، مبارک. *نهایه فی غریب‌الحديث*. بیروت: دار احیاء التذات العربی، ۱۹۹۳.
- حر عاملی، محمد بن الحسن. *وسائل‌الشیعه*. تهران: اسلامیه، ۱۳۸۶.
- رامی متولی، القاضی. *الوساطه فی القانون الجنائی الاجرائی المقارن*. القاهره: دار النهضه العربیه، ۲۰۱۰.
- طبرسی، فضل بن حسن. *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶.
- فیومی، احمد بن محمد. *مصباح‌المنیر*. قم: دارالهجره، ۱۴۱۵ ق.
- قرآن کریم.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن. *شرائع‌الاسلام فی مسائل‌الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.

## ج. منابع انگلیسی

- Bazemore, Gordon, and Mark Umberit. "A Comparison of Four Restorative Conferencing Models." February 2001, <https://www.ncjrs.gov/pdffiles1/ojjdp/184738.pdf>.
- Braith Waite, John. "Setting Standards for Restorative Justice." *BRIT. J. CRIMINAL* 42 (2002): 563-577.
- Mark, Umberit, and Ann Warner Roberts. "Mediation of Criminal Conflict in England." *Center for Restorative Justice & Peacemaking, UN, University of Minnesota* (15 March 1996): 1-20.
- Petronela, Stogrin. "Mediation in Criminal Matters." *Acta Universitatis George Bacovia, Juridical* 3(1) (2014):1-8.
- Stenlo, Lars, Goran. "Mediation in International Negotiations." Lund, Student Literature, (1972), 36.
- Turman, Kathryn McKay. "National Survey of Victim - Offender Mediation Programs in the United States." *Center for Restorative Justice & Peacemaking, School of Social Work University of Minnesota* 21 (2000): 178-203.
- Young, Oran. *The Intermediate's, Third Parties in International Crisis*. Princeton N, J: Princeton University Press, 1976.

# Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VII, No. 1

2019-1

- **The European Union and International Criminal Court: Institutional Cooperation and Support**  
*Dr. Seyyed Ghasem Zamani & Dr. Esmaeel Yaghoubi*
- **The Scope of Penal Mediation in Various Types of Crimes in Iranian Substantive Law**  
*Dr. Hossein Gholami & Dr. Badr Soudani Sadery*
- **Punishment Mitigation in the Law of Campaign against Trafficking Goods and Currency Passed in 1392**  
*Ahmad Reza Koocheki & Dr. Shahram Ebrahimi*
- **A Criminological Study of the Effective International Factors on Committing Crimes against Humanity**  
*Dr. Samira Golkhandan*
- **The Consequences of Populist Penal Policy in Sexual Crimes against Children and Teenagers**  
*Dr. Parima Taherishad & Dr. Hooshang Shambayati*
- **An Introduction to “Criminal Insurance Law” towards an “Insurance-Oriented Criminal Policy”**  
*Dr. Mehrdad Rayejian Asli & Naeim Saha'mi*
- **Conflict or Interaction of Foreign Criminal Laws with Victim's Rights; in Light of the Principle of Mutual Recognition in EU Criminal Law**  
*Dr. Javad Salehi*
- **Principle of Mutual Recognition of Judgements and Judicial Decisions in European Union Criminal Law with Look at Criminal Judgements and European Arrest Warrant**  
*Dr. Behzad Razavi Fard & Mohammad Faraji*

